



خاطرات تاج السلطنه

عزیزترین دختر ناصرالدین شاه به روایت خودش

منتقد پدر و برادر

زهره شریفی

«در شب پنجشنبه روز آخر ماه ربیع الاول ۱۳۳۲ هجری- قمری، هفت ذلو، یک عصری که هوا ابری و تیره و مانند افکار و خیالات خودم محزون و غم دیده بود در اتاق نیمه روشنی نشسته و مشغول به نقاشی بودم. برف بشدت می‌بارید و هیچ صدایی جز وزش باد مسموم (شنیده) نمی‌شد. سکوت غمناکی سراپای وجودم را احاطه کرده و افزوده بر او روشنایی قرمز رنگ ملایمی از بخاری ساطع (پخش) بود.»

این جملات شروع نگارش خاطراتی است که ۱۰۳ سال پیش از زنی جوان به نام «زهره» از شاهزادگان دربار ناصرالدین شاه قاجار - که لقب «تاج السلطنه» را با خود همیشه همراه داشت - به یادگار مانده است. این زن یکی از عزیزترین دختران ناصرالدین شاه بوده است که برخلاف تمام زنان آن دوران چه در اندرونی و چه در خارج آن، گونه‌ای زندگی کرد که به عنوان زنی روشنفکر و منتقد و نترس در تاریخ زنان ایران معروف شده است.

• زنی منتقد در دربار

تاج السلطنه یکی از مطرح‌ترین زنان منتقد و روشنفکر دوره قاجار است که با بسیاری دیگر از زنان آن دوران تفاوت داشت. شاهزاده‌ای که در دربار قاجار در ناز و نعمت زندگی می‌کرد اما زمانی که به شعور و آگاهی رسید به‌سختی از وضع دربار، رفتار پدر تاجدار خود و ستمی که از سوی او بر زنان می‌رفت انتقاد کرد و سرانجام در شمار فعالین جنبش‌های زنان قرار گرفت.

• خاطره نویسی و «تاج السلطنه»

پرداختن به زندگی تاج السلطنه و بررسی شخصیت او به چند دلیل بسیار قابل اهمیت است. او از معدود افرادی است که در آن دوران

دست به نوشتن خاطره‌نویسی زده است. نوشتن خاطرات شخصی، در فرهنگ ما حتی در بین مردان هم غریب بود. تاج السلطنه جزو معدود زنانی است که در آن زمان بنا به موقعیت خانوادگی خود توانسته بود از نعمت خواندن و نوشتن بهره‌مند شود. همان‌طور که می‌دانیم آموزش دختران در آن دوران، مخالف عرف بود و زنان اجازه رفتن به مدرسه را نداشتند.

• صراحت گفتار و احساسات زنانه

آنچه را که این شاهزاده قجری در نقل خاطراتش می‌آورد در جای خود بسیار تازه و قابل تأمل است. از جمله صداقت گفتار اوست که بدون پیچیدگی و ترس، از احساسات زنانه، عشق و دلدادگی و خواسته‌های بر حق خود سخن می‌گوید و بسیار ارزشمند است. صراحت زبان و گفتن از دردها و مشکلات و سختی‌هایی که نه تنها خودش بلکه زنان هم زمان خودش داشته‌اند در روشن کردن زندگی زنان در صد سال پیش بسیار تأثیرگذار است.

• انتقاد شدید دختر به شاه پدر!

نکته دیگری که شخصیت تاج السلطنه را برجسته می‌کند، دید بسیار انتقادی او نسبت به پدرش؛ یعنی ناصرالدین شاه و بررسی رفتار و شخصیت

تاج السلطنه در انتقادی که از مظفرالدین‌شاه، برادرش می‌کند، او را فردی نالایق، بی‌خبر، بدون عزت نفس، نادان و عشرت طلب معرفی می‌کند، او را نکوهش می‌کند و مسافرت‌های بی‌مورد و وام‌های بی‌دلیل و پیشکاران نالایق و فرصت طلب شاه را به باد انتقاد می‌گیرد تا جایی که از نسبت دادن بدترین القاب به نزدیکان شاه هم ترسی ندارد

او، هم به‌عنوان شاه مملکت و هم به‌عنوان پدر است. او نادانی، بی‌کفایتی، کوتاه‌فکری، خوشگذرانی پدر و داشتن حرمسرا و زنان متعدد را یکی از عوامل عقب‌ماندگی ایران در آن زمان می‌داند. البته برادرش؛ یعنی مظفرالدین شاه که بعد از پدر روی کار می‌آید و دیگر درباریان هم از نقدهای او درمان نبودند.

• بدترین القاب به نزدیکان مظفرالدین شاه

تاج السلطنه در انتقادی که از مظفرالدین‌شاه، برادرش می‌کند، او را فردی نالایق، بی‌خبر، بدون عزت نفس، نادان و عشرت طلب معرفی می‌کند، او را نکوهش می‌کند و مسافرت‌های بی‌مورد و وام‌های بی‌دلیل و پیشکاران نالایق و فرصت طلب شاه را به باد انتقاد می‌گیرد تا جایی که از نسبت دادن بدترین القاب به نزدیکان شاه هم ترسی ندارد.

• انتقاد شدید بر وجود «دایه‌ها»!

در تاریخ ایران و حتی در جهان کمتر دیده شده است که شاهزاده‌ای علیه خاندان خود اینچنین، آنها را به باد انتقاد بگیرد. بویژه اگر این فرد زن باشد و در دورانی زندگی کند که به گفته خود او زنان جزو بهایم و وحوش به‌شمار می‌آیند. او در خاطرات خود، بارها رسم سپردن کودکان را به «دایه» در آن زمان، مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد و روی سخن او در درجه اول با مادر خود و بعد زنان دیگری است که فرزندان‌شان را از کودکی به دست دایه می‌سپردند و آنان را از مهر و محبت مادری و شیوه درست تربیت بی‌بهره می‌سازند. تاج السلطنه بر این باور بود که پایه‌های شخصیتی کودک از همان اوان کودکی از رفتار و ویژگی‌های مادر شکل می‌گیرد، بنابراین پرورش یافتن کودک در دامن دایه‌ای که نه شیوه تربیتی درست را می‌داند و نه از آموزشی در این زمینه برخوردار است، کاری اشتباه است.

• آموزش و تحصیل راه مبارزه با خرافات

او به موقعیت زن در جامعه آن روز بخوبی آگاه است. موجودی که هرگز در هیچ کجا به حساب نمی‌آمد، از داشتن آموزش و خواندن و نوشتن بی‌بهره است، حق انتخاب در هیچ موردی حتی در نقش زدن سرنوشت خود را ندارد و مطیع و برده مرد است. تاج السلطنه مهمترین عامل بدبختی زنان را در نشناختن حق و حقوق خود می‌داند و در خانه نشستن و خنده و خرافاتی را، تنها هنر زنان هم‌نسل خود می‌داند. در مقابل، راه نجات زن را در آموزش و تحصیل علم، مبارزه با خرافات و سنت‌های غلط می‌بیند.

• معلمان غرب زده و اشتباهات تاج السلطنه!

البته تاج السلطنه در کنار چنین تفکرات سالم، متأسفانه تحت تأثیر معلمان متجدد خود غرق دنیای غرب و جذابیت‌های مادی و ضد دینی آن